

## یلدا

وحید ولی‌نیا

زایشی در راه است  
بعدِ تاراج خزان  
به شمار آمده باز  
نَفَسِ تیره‌ی شب  
روز قد می‌کشد  
از پیش  
کمی بیشترک  
و نویدی  
به طلوعی دیگر  
در پس یلدایی  
خوش خوشک  
گوش‌نواز  
ذهن هر باغچه را  
آکنده است  
تن عریان درخت  
رخت نو می‌طلبد  
به سپیدی چون برف  
فصل سرمای زمستان  
آمد  
و بهاری که پی‌اش  
منتظر است  
زایشی در راه است  
پشت این شام بلند